

باز خوانی خاطرات فیزیکدانان آمریکایی از سفر به ایران

دیپلماسی علمی در ایران

گروه علم: یهمن سال گذشته، دانشگاه صنعتی شریف، میزبان سه‌فیزیکدان برجسته بود. پروفیسور «آنتونی جیمز لگت» فیزیک پیشه‌انگلیسی‌برنده‌جایزه‌نوبل فیزیک ۲۰۰۳، پروفیسور «پال چو» کاشف نخستین ابررسانای بالای دمای نیتروژن مایع (YBCO) و پروفیسور «وارن پیکت»، استاد ممتاز و شناخته‌شده بین‌المللی در حوزه ابررسانا از دانشگاه دیویس کالیفرنیا، برای شرکت در چهارمین کنفرانس ملی پیشرفت‌های ابررسانایی به کشورمان سفر کرده بودند، به دانشگاه صنعتی شریف رفتند و ضمن دریافت نشان دانشگاه و کسب عنوان استادمعین این دانشگاه، از چندین مرکز علمی و دانشگاهی دیگر در تهران و شهرهای دیگر ایران بازدید کردند. این فیزیکدانان پس از بازگشت از ایران، مقاله‌ای را در شماره اخیر نشریه «نیچر فیزیک» (ژوئیه ۲۰۱۴) منتشر کردند و طی آن به بیان دیدگاه‌های خود درباره تعاملات علمی ایران و غرب و دستاوردهای این سفر پرداختند که با رویکرد دیپلماسی علم انجام شده بود. «پیکت»، «لگت» و «چو» در این مقاله، هدف خود از سفر به ایران را کمک به دیپلماسی علمی، ملاقات با دانشمندان ایرانی و تقویت و گسترش ارتباط‌های علمی و تشویق آن بیان کردند. آنها ضمن دیدار از ایران و دانشگاه‌ها و موسسه‌های آموزشی و پژوهشی کشور ما، در چند دانشگاه سخنرانی کرده و از نزدیک با مردم و دانشجویان ارتباط برقرار کردند و خلاصه‌ای از مشاهدات خود را در این گزارش ذکر کردند که متن کامل این گزارش را در ادامه با هم می‌خوانیم.

پس از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۷۹، (۱۳۵۷) ش) و جانشینی حکومت اسلامی به جای دولت شاهنشاهی، دانشگاهی تعطیل شدند و صدها نفر از اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها بیکار شدند. پس از مدتی دانشگاه‌ها بر اساس نظام آموزشی اسلامی بازگشایی شد. اکنون ۳۵ سال از بازگشایی دانشگاه‌های می‌گذرد اما در بیشتر این سال‌ها، مراکز آموزشی و تحقیقاتی غربی، به دانشگاه‌های ایران روی خوش نشان ندادند. انزوا ی علمی شدید ایران، یکی از پیامدهای روابط سیاسی نچندان خوشایند و دوستانه ایران و آمریکا بود. هر چند در این مدت برخی از دانشجویان ایرانی با استادان دانشکده‌ها می‌توانستند در آمریکا اقامت کنند، اما ملاقات‌های دوطرفه و ارتباط‌های دانشگاه‌های ایران و آمریکا در پایین‌ترین سطح ممکن بود.

موضوع انزوا ی علمی ایران برای ما مسافر اهمیت دارد و همین عامل باعث شد در نیمه‌اول فوریه ۲۰۱۴ از چهار دانشگاه ایران دیدار کنیم. پژوهش‌های علمی در ایران در اثر جنگ ایران و عراق به‌شدت کاهش یافته بود و پس از آن نیز در اولویت نبود و دولت نیز منابع مالی کمی به آن اختصاص می‌داد، خرید تجهیزات از غرب نیز به دلیل تحریم‌ها ناممکن شد.

ما در یافتیم علم در ایران به تلاش خود ادامه می‌داد که نشانه‌هایی هر چند ناچیز از علم نوین غربی را با خود داشته باشد اما هر سال بیش از سال قبل از علوم غربی عقب می‌ماند. هدف ما از این دیدار، دیپلماسی علمی بود یعنی با افراد در قلمروهایشان دیدار کنیم و در حالی که دست‌کم تگه‌ی یکی از دست‌اول به جو علمی و دانشگاهی ایران داریم، آغازگر و تشویق‌کننده ارتباط‌های علمی باشیم. فعالیت‌های خستگی‌ناپذیر پروفیسور «محمد اخوان»، استاد فیزیک دانشگاه صنعتی شریف تهران که چندین سال است که ما او را هم به‌لحاظ حرفه‌ای و هم به‌طور شخصی می‌شناسیم، این دیدار را امکان‌پذیر کرد. ما پس از این دیدار، خبررسانی به همکاران خود را آغاز کردیم ما این کار را ابتدا از دانشگاه خود شروع کردیم و در ادامه این گزارش را ازایه می‌کنیم.

یکی از هدف‌های ما، برقراری ارتباط و گوش دادن به سخنان همه ایرانیانی بود که احتمالاً با آنها ملاقات می‌کردیم، اما علاوه بر این، وظایف ویژه دیگری هم برای خود معین کردیم، از جمله:

۱- رایه سخنرانی عمومی و پژوهشی در چهارمین کنفرانس ملی پیشرفت‌های ابررسانایی (NCAS4) در تاریخ ششم و هفتم فوریه در تهران.

۲- هر یک از ما در یکی از دانشگاه‌ها یکبار سخنرانی علمی عمومی رایه کنیم.

۳- پذیرش منصب استادیاری در دانشکده فیزیک دانشگاه صنعتی شریف برای کمک به ارتباطات مستمر با دانشمندان ایران.

۴- پیوستن به برنامه نوای همکاری پژوهشی بین‌المللی فیزیک مواد پیشرفته (IRPAM) در دانشکده فیزیک دانشگاه صنعتی شریف به‌عنوان مشاور علمی. ما در جریان این دیدار، در مراسم افتتاح IRPAM شرکت کردیم.

علاقه ما برای بهبود گفت‌وگو و درک متقابل به‌طور کامل و در تمام سطوح، با علاقه طرف مقابل هماهنگ بود که باعث تعجب ما شد. ما در چندین جلسه شرکت کردیم و با چندین مقام ایرانی تبادل‌نظر کردیم، از جمله «رضا فرجی‌دانا»، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری و «حسین سالار آملی»، قائم‌مقام وزیر علوم در امور بین‌الملل، «سرتنا ستاری»، معاون علمی و فناوری ریست جمهوری، «مجتبی خیام‌نوبی» معاون فناوری و نوآوری معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری و «محمدعلی نجفی»، رئیس سابق سازمان میراث‌فرهنگی و گردشگری که دفتر وی در هماهنگی‌های لازم برای این سفر را انجام داد. «رضا روستاآزاد»، رئیس دانشگاه صنعتی شریف نیز بسیار میهمان‌نواز بود و به‌طور کامل از سفر ما حمایت کرد.

همه این مقامات ابراز علاقه کردند که در مورد بهبود روابط فردی بین دانشمندان دو کشور و اصلاح تصاویر مخدوش‌شده‌ای که در میان مردم هر دو کشور رشد کرده و بر اثر شعارهای سیاسی و کمبود جریان اطلاعاتی دقیق در دانشگاه صنعتی شریف نیز بسیار میهمان‌نواز بود و به‌طور «رضا فرجی‌دانا» وزیر علوم تأکید کرده است وضعیت

کنونی پژوهش‌های علمی در ایران به‌گونه‌ای نیست که باعث شود دانشمندان ایرانی که آن سوی آب‌ها تحقیق می‌کنند، یکبار دیگر به کشور برگردند که این موضوع موجب فرار مغزها در کشور شده است. «فرجی‌دانا» از بهبود وضعیتی که موجب جذب دانشمندان ایرانی و بازگشت آنها به کشور شود، حمایت می‌کند. ما در سفر خود با روسای دانشکده فیزیک و اعضای هیات علمی چهار دانشگاه (شامل صنعتی شریف، دانشگاه اصفهان، دانشگاه صنعتی اصفهان و دانشگاه شیراز) و دانشجویان این دانشگاه‌ها دیدار کردیم. بسیاری از اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها به‌وضوح از کافی نبودن امکانات پژوهشی و انزوای علمی خود، ناراضی بودند و بسیار مشتاق و آرزومند نشانه‌های بهبود اوضاع بودند ولی نشانه‌هایی از امید را در آینده نزدیک و کوتاه‌مدت نمی‌دیدند. با این همه برخی از پژوهشگران همچنان مشغول فعالیت هستند برای مثال در حال حاضر ۵۰۰ استاد دانشگاه صنعتی شریف، سالانه هزارو ۵۰۰ مقاله منتشر می‌کنند.

خود «اخوان» هم نمونه‌ای از پشتکار است. وی پس از دریافت دکترای خود از دانشگاه نورت‌دام در سال ۱۹۷۳، به ایران بازگشت و کار ساخت یک آزمایشگاه تحقیقاتی مغناطیس را آغاز کرد. پس از انقلاب اسلامی، وی توانست فقط یک رقم ایزار (نوعی کنترلر دما) را تهیه کند. با این وجود پروفیسور «اخوان» از سال ۱۹۹۵ تاکنون بیش از صدمقاله را در مجلات بین‌المللی منتشر کرده است. دانشمندان ایرانی با مشکلات دیگری نیز روبرو هستند. به تازگی برخی از ناشران مهم علمی غرب، به دلیل قانون تحریم ایران که در سال ۲۰۱۰ تصویب شد، از در اختیار قراردادن برخی مقالات به دانشمندان ایرانی خودداری می‌کنند. همان‌طور که ذکر شد، هر یک از ما مقام



در صورت امکان تا شرکت در چهارمین کنفرانس ملی پیشرفت‌های ابررسانایی) انتظار می‌رفت، «محمد اخوان» توانست سفر ما به ایران را به یک سفر برجسته و مهم تبدیل کند. شبکه تلویزیونی تهران و دانشگاه صنعتی شریف از ما در هنگام دیدارهای عمومی و شرکت در جلسات و همچنین در مصاحبه‌های گوناگون، فیلمبرداری کرد. یک روز در خیابان شنیدیم که شخصی گفت: «این‌ها همان دانشمندان آمریکایی هستند که دیشب در تلویزیون دیدیم!» (البته پروفیسور «اخوان» این جمله را برای ما ترجمه کرد). جالب آنکه بازدید ما اتفاقا با جشن‌های دهه فجر انقلاب سال ۱۹۷۹ ایران (که اسمال سی و پنجمین سالگرد خود را جشن می‌گرفت)، همزمان شد.

رسانه‌ها در آمریکا هرساله به ما می‌گویند: «هزاران تظاهرکننده در دانشگاه‌های ایران شعارهایی مانند مرگ بر آمریکا سر دادند.» اما تظاهراتی که ما شاهدان عینی آمریکایی دیدیم، تظاهراتی بود شامل صد تا ۲۰۰ نفر ما از هر فردی که در خیابان‌ها یا بازارها ملاقات کردیم، می‌گرفت، همزمان شد.

تظاهرات در آمریکا هرساله به ما می‌گویند: «هزاران تظاهرکننده در دانشگاه‌های ایران شعارهایی مانند مرگ بر آمریکا سر دادند.» اما تظاهراتی که ما شاهدان عینی آمریکایی دیدیم، تظاهراتی بود شامل صد تا ۲۰۰ نفر ما از هر فردی که در خیابان‌ها یا بازارها ملاقات کردیم، بازوردهای مثبت و مناسبی دریافت کردیم. ایرانی‌هایی که ما به‌طور اتفاقی با آنها روبرو می‌شدیم از اینکه می‌دیدند آمریکایی‌ها می‌توانند وبزای سفر به ایران را دریافت کنند و اینکه می‌توانند با ایرانیان دیدار کرده و تلاش می‌کنند در مورد جامعه، رسوم و عقاید آنها اطلاعات کسب کنند، اظهار شگفتی و خوشحالی می‌کردند. گروهی از دانش‌آموزان دبستانی دختر ۱۱،۱۲ ساله که انتظار می‌رود تعاریف ناخوشایندی در مورد آمریکایی‌ها شنیده باشند (همان‌طور که آمریکایی‌ها اطلاعات منفی در مورد ایران دریافت می‌کنند)، از ملاقات با ما خوشحال بودند و از ما عکس و امضا گرفتند. مطمئناً گرفتن ویزا برای بازدید از ایران آسان نیست، البته ایرانی‌ها هم برای دریافت



استادیاری فیزیک را در دانشگاه صنعتی شریف پذیرفته و به عنوان مشاوران علمی به IRPAM پیوستیم. قانون تحریم ایران که در سال ۲۰۱۰ اعمال شد، بسیاری از معاملات اقتصادی با ایران را محدود کرد اگرچه در این مدت برخی اشخاص و سازمان‌های غیردولتی، به تلاش‌های بشردوستانه خود ادامه دادند و حتی همین قانون از این تلاش‌ها، حمایت و پشتیبانی می‌کرد. بسیاری از فعالیت‌ها مانند فعالیت ما چیزی بین تجارت صرف و فعالیت بشردوستانه صرف است. اگرچه علاقه ما به پژوهش‌های بنیادی در سطوح بسیار پایه است که با پژوهش در مورد خواص فیزیکی مواد پیشرفته آغاز می‌شود اما همه می‌دانند که فیزیک علاوه بر همه اینها، در بطن واکنش‌های هسته‌ای قرار دارد. با این همه فعالیت در زمینه انرژی هسته‌ای طی چندین دهه در سطح مهندسی جریان داشت و نه در سطح پژوهش‌های پایه.

اکنون که این گزارش تنظیم می‌شود، مقام‌های دانشگاه‌های ما با سازمان‌های آمریکا (مانند وزارت کشور، وزارت بازرگانی، وزارت خزانهداری و اداره کنترل دارایی‌های خارجی) همکاری می‌کنند تا دریافت آید برخی از فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده‌ما (یعنی مشارکت و همکاری در زمینه آموزش و پژوهش) نیازمند دریافت مجوز از وزارت خزانهداری است یا خیر. اما خبر خوش اینکه اداره کنترل دارایی‌های خارجی آمریکا در ماه مارس، مجوزی کلی را برای تبادل دانشگاهی و آموزشی بین ایران و آمریکا تأیید کرد. همان‌طور که از گستردگی برنامه ما (از گفت‌وگو با مردم

به نام Journal of Science Diplomacy) منتشر می‌کند انجمن سلطنتی انگلستان دیپلماسی علمی را تأیید می‌کند و کتابی به نام «مرزهای جدید در دیپلماسی علمی» را منتشر کرده که شامل یک بررسی موردی با عنوان «استفاده از علم برای تقویت روابط با جهان اسلام» است. دیپلماسی علم کاملاً در راستای مفاد انجمن فیزیک بین‌المللی و سایر فعالیت‌های انجمن فیزیک آمریکاست. البته اصلی این فعالیت‌ها این است که ارتباطات کنونی را گسترش داده و ارتباطات جدیدی را در سطح فعالیت‌های شخصی دانشمندان و ارتباط‌های فردی بین آنها برقرار کنیم تا کامل‌کننده ارتباط‌های سازمان‌های غیردولتی باشد.

دیپلماسی علم تاریخچه مفصلی دارد. در دهه ۱۹۶۰ گروهی از فیزیکدانان آمریکایی با فیزیکدانان اتحاد جماهیر شوروی در مسکو دیدار کردند و به دنبال آن، فیزیکدانان شوروی متقابلاً به آمریکا سفر کردند. آکادمی‌های ملی این دو کشور، این سفرها را برنامه‌ریزی کرده بودند. انجام این کار در آن زمان، به درک متقابل و دوطرفه این موضوع کمک کرد که پژوهش‌های بنیادی در اصل، یک فعالیت بین‌المللی است. دیپلماسی پیگ‌پنگی در اوایل دهه ۱۹۷۰ نیز با دعوت چین از تیم پیگ‌پنگ‌های آمریکا برای دیدار از چین و انجام مسابقه بین دو کشور بود که خیلی زود تیم ملی پیگ‌پنگ چین هم متقابلاً به آمریکا سفر کرد. قرار دادند. وابستگی برخی دولت‌ها به فناوری‌های پیشرفته موجود در کشورهای توسعه‌یافته موجب می‌شود تا دیپلماسی مبتنی بر علم و فناوری، بتواند در مدت‌زمان کوتاه‌تر و با سهولت بیشتر به اهداف سیاست خارجی دست یابد.

در بخشی از «مرزهای جدید در دیپلماسی علمی» آمده است: «برقراری چنین ارتباط‌ها و گفت‌وگوهای بسیار ضروری است به ویژه در زمانی که روابط تیره است. برای مثال پس از انتخابات سال ۲۰۰۹ ایران، دانشمندان ایرانی از انجمن‌های پژوهشی علمی خواستند هر کاری از دستشان بر می‌آید برای ادامه و تقویت ارتباط با همکاران ایرانی خود انجام دهند.»

ما در ملاقات‌های خود با استادان فیزیک، بهبود و پیشرفت پایدار نظام آموزشی ایران را تأیید کردیم. دانشجویان فارغ‌التحصیل ایرانی در کنار دانشجویان کشورهای دیگر، در دانشگاه‌های بزرگ در آمریکا و اروپا پذیرفته می‌شوند. زنان و دختران ۶۰ درصد دانشجویان دانشگاه‌های دولتی ایران را تشکیل می‌دهند. هرچند هنوز هم بخش‌های خاصی از دوره‌های لیسانس دانشگاه نیازمند بهبود بیشتر است (برای مثال آزمایشگاه و امکان تحقیقات در مقطع کارشناسی) اما بزرگ‌ترین نیاز و مهم‌ترین مشکلات، در حوزه پژوهش‌های مربوط به تحصیلات تکمیلی مشاهده می‌شود.

تخصص استادان و اعضای هیات‌علمی دانشگاه یکی از این موارد است. در حقیقت، بسیاری از استادان فیزیک از تحصیلات و تجربه پژوهش در غرب برخوردارند. مشکل اصلی این است که زیرساخت‌های مدرن و تجهیزات آزمایشگاهی نوین در ایران وجود ندارد و بودجه کم است. علاوه بر این، تحریم‌های کنونی، مانع خرید دستگاه‌ها و ابزارهای پیشرفته است. شایان ذکر است، برخی از اعضای هیات‌علمی خوداتکایی زیادی دارند و تجهیزات آزمایشگاه‌شان را خود می‌سازند. دسترسی دشوار به ناشران علمی، تشدیدکننده این مشکل فضای پژوهشی ضعیف است، دشواری دسترسی به ناشران نیز نه به دلیل انواع و اقسام تحریم‌ها، بلکه بیشتر به دلیل هزینه‌های زیاد اشتراک بسیاری از این نشریات است. تمایل مسوولان به ملاقات با دانشمندان آمریکایی برای ارتقای سطح ارتباطات و مشارکت‌های علمی، موجب دلگرمی بیشتری‌شود و ما می‌توانیم باوریم که جامعه فیزیک آمریکا (و به‌طور کلی غرب) بسیار علاقه‌مند است تلاش موثری برای نتیجه‌بخشی دیپلماسی علمی صورت گیرد. اگرچه تأیید می‌کنیم که نباید انتظار زیادی داشت. به نظر می‌رسد اکنون زمان آن فرا رسیده است که از علم فقط برای ایجاد ارتباط بلکه ارتقای تلاش‌های آموزشی و پژوهشی در هر دو کشور استفاده کنیم و کم‌کم حسن نیت را در جوامعی که در حال حاضر با یکدیگر خصومت دارند، گسترش دهیم.

علم

آغاز دوباره

ماهیت دیپلماسی علم و فناوری

میانجی قرن جدید



اکرم قدیمی*

«دیپلماسی علم و فناوری» مفهوم نوینی است که در دهه‌های اخیر در سیاست خارجی کشورها مطرح شده است. علم و فناوری به‌عنوان یکی از عرصه‌های دیپلماسی، فضای مناسبی را برای گفت‌وگو میان دولت‌ها فراهم می‌کند. با توجه به اینکه دیپلماسی علم و فناوری از شاخه‌های دیپلماسی است، شایسته است پیش از ورود به بحث دیپلماسی علم و فناوری، موضوع دیپلماسی را بررسی کنیم. دیپلماسی، ابزاری است که سیاستمداران برای دستیابی به منافع ملی خود، سده‌ها آن را به کار گرفته‌اند. در اواسط قرن بیستم دیپلماسی، توانمندی خود را در پیشگیری از جنگ و یافتن اشتراکات، برای زودن یا کمرنگ کردن افتراقات نشان داد. برخی دیپلماسی را «هنر پیشبرد اهداف و منافع ملی» در نظر گرفته و عده‌ای دیگر آن را علمی می‌دانند که به مثابه ابزاری در تدوین و اجرای سیاست خارجی به کار می‌رود. به عبارتی دیپلماسی وسیله‌ای است که به واسطه آن، کشورها از خلال نمایندگی‌های رسمی و غیررسمی و همچنین سایر بازیگران به مدیریت، هماهنگی و صیانت منافع خود می‌پردازند. دیپلماسی یکی از کارآمدترین ابزارها در ارتباطات جهانی شناخته می‌شود، این ابزار نیز همانند سایر ابزارها طی زمان تحولات گوناگونی را تجربه کرده است. نخستین شکل دیپلماسی، دیپلماسی سنتی بود. در گذر زمان دیپلماسی سنتی، به دیپلماسی‌های نوین مانند دیپلماسی بشردوستانه و دیپلماسی علم و فناوری و انواع دیگر دیپلماسی‌ها تغییر یافت. پس از جنگ جهانی دوم به‌ویژه پس از پایان جنگ سرد که انتقال علم و فناوری با سهولت بیشتری ممکن شد، دستگاه سیاست خارجی کشورها، به‌ویژه کشورهای توسعه‌یافته، به اهمیت بهره‌گیری از دیپلماسی علم و فناوری پی برده و آن را در دستور کار خود قرار دادند. وابستگی برخی دولت‌ها به فناوری‌های پیشرفته موجود در کشورهای توسعه‌یافته موجب می‌شود تا دیپلماسی مبتنی بر علم و فناوری، بتواند در مدت‌زمان کوتاه‌تر و با سهولت بیشتر به اهداف سیاست خارجی دست یابد.

چستی دیپلماسی علم و فناوری

پس از پایان جنگ سرد، قدرت‌های بزرگ جهانی برحسب قدرت نظامی یا قدرت سخت از «علم» به عنوان میانجی دیپلماتیک استفاده کردند. امروزه، مفهوم دیپلماسی نیز همانند بسیاری از مفاهیم دیگر در روابط بین‌الملل تخصصی شده و دیپلماسی علم و فناوری به‌عنوان یکی از انواع دیپلماسی پا به عرصه نهاد. چنانچه بپذیریم دیپلماسی کارآمد، یکی از مولفه‌های قدرت نرم محسوب می‌شود، در آن صورت شاه‌کلید آن استفاده از «علم» و فناوری» است. دیپلماسی علم و فناوری علاوه بر ایفای نقش کاتالیزور در ارتقای جایگاه کشورها، در بسیاری از حوزه‌ها نیز می‌تواند به‌مثابه پلی میان همکاری‌های تحقیقاتی و فناوری عمل کند. بهره‌گیری از علم و فناوری در دیپلماسی موجب تسهیل و تسریع مذاکرات و تبادل و دستیابی به اطلاعات، افزایش مناسبات جهانی و تأثیرگذاری بر افکار عمومی می‌شود به نحوی که اعتبار و مشروعیت بیشتری را برای کشورهای استفاده‌کننده از آن به‌دنبال می‌آورد. گرچه دیپلماسی علم به معنای به کارگیری علم برای اهداف سیاسی است، اما نباید دیپلماسی علم و فناوری را مفهومی صرفاً سیاسی قلمداد کرد. در دیپلماسی علم و فناوری، منافع اقتصادی باید لحاظ شود، اما این منافع اقتصادی از طریق بستری سیاسی و علمی حاصل می‌شود. بنابراین دیپلماسی علم و فناوری مفهومی چندبعدی در نظر گرفته می‌شود که می‌توان هر سه بعد سیاست، اقتصاد و علم را در آن مشاهده کرد.

ادامه در صفحه ۱۰

نگاه از درون

ابزاری ارتباطی برای تحکیم پیوندها

تقویت پژوهش با دیپلماسی علم



رضا منصوری
استاد دانشگاه صنعتی شریف

واژه دیپلماسی علم، واژه جدیدی است که طی حدود یک دهه گذشته در کشور ما رایج شده است و کم‌کم به کار می‌رود. در کشورهای پیشرفته نیز برخی مراکز دایر شده‌اند تا در مورد دیپلماسی علم فعالیت کنند. منظور از دیپلماسی علم رویدادها و پدیده‌هایی است که از جنس ارتباط‌های سیاسی بین کشورهاست، ولی منشأ یا ماهیت آن علمی است ولی در روابط سیاسی بین کشورها تأثیر دارد. هرچند اصطلاح دیپلماسی علم به‌تازگی در کشور ما مطرح و رایج شده است، ولی در کشورهای دیگر، تاریخ طولانی‌تری دارد. سابقه این موضوع از دهه ۶۰ میلادی آغاز شد که بین شوروی سابق و ایالات‌متحده آمریکا مشکلات سیاسی وجود داشت. در آن زمان بین گروه‌های علمی (به‌ویژه در زمینه هسته‌ای) و بعد هم در زمینه‌های دیگر ارتباط‌های برقرار شد که پیامدهای خوبی داشت که با آنها آشنا هستیم. این ارتباط‌های علمی تأثیرهای بسیاری بر روابط سیاسی بین کشورها داشت. در دهه ۷۰ میلادی نیز گروه‌های علمی چین و آمریکا با یکدیگر تماس گرفتند و جلسات مشترکی را در چین و آمریکا برگزار کردند و طی آنها در حوزه علوم مختلف از جمله انرژی (که مورد علاقه طرفین بود)، گفت‌وگو کردند که این ارتباط‌ها بعداً موجب ارتباط‌های گسترده‌تر سیاسی و صنعتی و شد که طی ۵۰،۴۰ سال گذشته پیامدهای بسیار گسترده‌ای داشت هم‌اکنون نیز از دیپلماسی علم برای رفع تنشج بین کشورهای مختلف (از جمله بین ایران، اروپا و آمریکا) استفاده می‌شود. پس منظور از دیپلماسی علم در حالت کلی، برقراری ارتباط‌های علمی است از: تنسج‌های سیاسی بین کشورها کشته شود. در نظر داشته باشید گاهی اوقات بین کشورهای مختلف اختلاف‌های سیاسی بروز می‌کند که ممکن است دیگر راه‌حل سیاسی نداشته باشد. در این حالت سعی می‌کنند که به روش‌های مختلف، راه‌لی برای این مشکل پیدا کنند که یکی از این راه‌حل‌ها، دیپلماسی علم است. تاریخچه دیپلماسی علم نشان داده است این روش یکی از راه‌حل‌های خوب برای این نوع مشکلات است و به همین دلیل است که امروزه این اصطلاح را زیاد می‌شنویم. با توجه به همین پتانسیل و توانایی‌های دیپلماسی علم است که می‌بینیم بسیاری از کشورها علاقه‌مند هستند که ارتباط‌های بین خودشان را تقویت کنند از جمله در چند سال اخیر دانشمندان آمریکایی ابراز علاقه کردند که ارتباط‌های علمی بین مراکز علمی ایران و آمریکا برقرار شود. شاید این راه بتواند از تنشج بین دو کشور کم کند. در این حالت افراد بسیاری از طرف برای انجام این کار دوطلب می‌شوند و با توجه به زمینه علمی تخصصی، خود درباره راه‌های گسترش همکاری علمی تبادل نظر می‌کنند. البته ممکن است در برخی از موارد یک موضوع علمی خاص، زمینه‌ساز دیپلماسی علم شود به‌ویژه در مواردی که آن گرایش و رشته علمی خاص، زمینه‌ساز تنسج شده است.

به‌تازگی مقاله‌ای در نشریه نیچر چاپ و منتشر شده است و همانند بسیاری از مقالاتی از این دست (که با نگرش‌های سیاسی خاص تنظیم می‌شود) حاوی اطلاعات نادرستی است از جمله اینکه گفته شده دانشمندان آمریکایی اولین بار در سال ۲۰۰۴ با دانشمندان ایرانی ارتباط برقرار کردند در حالی که ارتباط‌های علمی دانشمندان ایرانی و آمریکایی از اوایل انقلاب، در دوران جنگ تحمیلی و پس از آن وجود داشته و هیچ‌گاه قطع نشده است. حتی در دوران جنگ تحمیلی، آمریکایی‌ها به ایران می‌آمدند و ماها می‌مانند در تدریس می‌کردند. پس می‌توان گفت این ارتباط‌های علمی دوطرفه همیشه وجود داشته است، ولی نکته مهم این است که این ارتباط‌ها همیشه با حمایت‌های دولتی همراه نبوده است و در برخی از موارد، خود دانشگاه‌ها این ارتباط‌ها را با هم برقرار می‌کردند ولی در برخی از موارد دولت حمایت می‌کرد و در برخی از موارد حمایت نمی‌کرد. برای مثال دولت نهم و دهم معمولاً از این نوع ارتباط‌ها حمایت نمی‌کرد. پیش از آن، از این نوع ارتباط‌های علمی حمایت می‌شد و هم‌اکنون نیز حمایت می‌کنند. پس این ارتباط‌ها هیچ‌گاه قطع نشد، ولی کم‌وزاد شده است.

خوشبختانه امروزه این آزادی عمل تا حدود زیادی وجود دارد که اگر از اعضای هیات‌های علمی دانشگاه‌ها مایل به برقراری ارتباط‌های دو جانبه باشند، می‌توانند در این زمینه اقدام کنند و لزومی نیست که این ارتباط‌ها حتماً از مسیر دانشگاه‌ها و دستگاه‌ها صورت گیرد. اگر هر کدام از اعضای هیات‌علمی دانشگاه بخواهد، می‌تواند ابتکار عمل را دست بگیرد و در زمینه برقراری ارتباط‌های علمی اقدام کند؛ یعنی هرچند برقراری ارتباط سخت است، اما ناممکن نیست. علاوه بر این به اخذ مجوز خاصی هم نیاز نیست، البته لازم به ذکر است که در برخی موارد معدود، میهمانی از خارج کشور دعوت شده‌اند که بعد به دلایلی مانند وبزاً نتوانستند به کشور سفر کنند که در این حالت‌ها، عامل مشکل ساز بی‌اطلاعی از چگونگی و زمان مناسب برای اقدام در این ارتباط‌ها است. اگر از این موارد استثنایی چشم‌پوشی کنیم، تا جایی که من اطلاع دارم هر کس که علاقه‌مند بوده و توانایی داشته، توانسته است این ارتباط‌ها را برقرار کند. برای مثال من اطلاع دارم که سال‌هاست با استفاده از بودجه‌های تحقیقاتی دانشگاه‌های آمریکا در ایران کارهای پژوهشی و تحقیقاتی زیادی انجام می‌شود. پس مشکل اصلی برای برقراری دیپلماسی علمی نه وجود موانع بیرونی، بلکه نبود انگیزه و توانایی در دانشگاهیان ما است. در حالی که برای مثال ما از اوایل دهه ۷۰ شمسی با مرکز سرن ارتباط برقرار و از اواخر همین دهه، پس از امضای تفاهنامه، کارهای عملی را آغاز کردیم. در مورد ساخت و صخله عملی هم هیچ‌گاه ارتباط‌های علمی و فنی ما قطع نشد. مرکزی در وزارت علوم با عنوان مرکز همکاری‌های بین‌المللی از ۱۶۱۵ سال پیش، در زمینه فعالیت‌ها و کارهای پژوهشی و تحقیقاتی مشترک بین ایرانیان و دانشمندان خارجی فعالیت می‌کند. پس تأکید می‌کنم عمده‌ترین مانع ما در برقراری ارتباط‌های بین‌المللی علمی، ناتوانی خود ما در برقراری چنین ارتباط‌هایی است. دیگر اینکه باید این دیدگاه در ما ز بین بروذ بزگای هستند که تفقیدی نسبت به ما دارند و ما با لطف و مرحمت آنها بهره‌مند می‌شویم که مقاله نیچر این مفهوم را (البته با لحظی تنسج‌های بین‌المللی از ۱۶۱۵ سال پیش) روی این نکته تأکید می‌کند امروزه هیچ کشوری نمی‌تواند در انزوای علمی، به پیشرفت‌های قابل توجه دست یابد و لازم است با همه کشورها، ارتباط‌های علمی تنگناکی داشته باشیم. مگر آمریکایی‌ها می‌توانند مرزهای خود را روی دانشمندان کشورهای دیگر ببندند و انتظار داشته باشند که در علم پیشرفت کنند. علم در کشوری با نمی‌گیرد و رشد نمی‌کند مگر آنکه آن کشور اهمیت موضوع ارتباط‌های بین‌المللی را درک کرد. برای برقراری ارتباط‌های علمی و تقویت دیپلماسی علم، دو شرط ضروری است. اول آنکه گروه‌هایی تشکیل شوند که توانایی برقراری ارتباط‌های علمی در سطح مراکز علمی و پژوهشی جهانی را داشته باشند، دوم آنکه روی موضوعاتی که به کشور ما مربوط است تحقیق کنند، موضوعاتی مانند اقلیم ایران، حیات‌وحش ایران، فرهنگ ایران، زیرآبشاری از کشورهای دنیا علاقه‌مند هستند که در این زمینه‌ها با همکاری کنند.